



عنوان مقاله

بررسی مراتب ارتباط معنوی انسان با خداوند از منظر قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام)

نویسندگان

محمد سعید ایزدپناه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات خداوند دارای ابعاد وجودی گوناگونی است که در مجموع شخصیت و ارتباط او را با تمام عالم تحت الشعاع قرار می‌دهد. یک بُعد از وجود انسان، حیطه‌ی معنوی است و مهمترین ارتباط معنوی انسان در این عالم ارتباط با خداوند است. این ارتباط را می‌توان در چهار محور کلی بررسی کرد:

انسان در رابطه با خداوند یکسری علائق و گرایشاتی دارد مانند محبت نسبت به خداوند، امید به رحمت خداوند، ترس از عذاب خداوند و ...

یا دارای طرز تفکر و نگرش‌هایی می‌باشد مانند اینکه خداوند را عالم به تمام امور عالم می‌داند و به آن توجه دارد، او را به عنوان موجودی که دارای رحمت بی‌پایان است می‌شناسد و ...

و رفتارهای اخلاقی مختلفی از او سر می‌زند مانند نماز خواندن، دعا کردن به درگاه خداوند و ...

و می‌تواند صفات و خصلت‌های معنوی خاصی داشته باشد مانند رضایت نسبت به تقدیرات الهی در همه حال، توکل به خداوند، اخلاص در کارها و ...

در ابتدا این سوال مطرح است که آیا بین این ویژگی‌های انسان رابطه‌ای برقرار است؟ و اگر رابطه‌ای وجود دارد این رابطه به چه صورت است؟ آیا می‌توان بین این روابط، مراتبی ایجاد کرد به صورتی که یکی را بر دیگری مقدم کرد؟ به بیان دیگر برای اصلاح و بهبود رابطه‌ی انسان با خداوند آیا می‌توان یک ساختار تشکیل داد که دارای نقطه‌ی شروعی باشد و در ادامه مراحل را طی کند و در نهایت به اثبات رشد این رابطه منتهی شود؟

البته باید در نظر داشت که منظور از تقدم در این پژوهش تقدم علی است یعنی تأثیرگذاری یکی بر دیگری به نحوی که در وجود و شکل‌گیری آن موثر باشد و به نوعی علت وجودی آن باشد حتی به صورت علت مُعدّه یا ناقصه به این صورت که جزئی از عوامل تأثیرگذار در به وجود آمدن مورد دیگر باشد و با وجود فراهم شدن شرائط دیگر، در ایجاد مورد دیگر دخیل باشد یا فقط زمینه را برای به وجود آمدن مولفه‌ی دیگر فراهم کند.

روش

در این پژوهش از منابع اسلامی استفاده شده است.

استفاده از آیات قرآن، روایات اهل بیت (علیهم السلام)، کتب اخلاقی و مباحث فلسفه اسلامی مورد نظر قرار گرفته است.

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بررسی ارتباط مولفه‌های رشد معنوی با یکدیگر می‌پردازد و تأثیر و تأثر آنها را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

یافته‌ها و نتایج

گرایش‌های مثبت و منفی انسان، مبتنی بر نوعی شناخت نسبت به متعلق آنهاست، به طوری که ممکن نیست انسان چیزی را که هیچ شناختی از آن ندارد دوست داشته باشد یا از آن بیزار و متنفر باشد، به آن امید داشته باشد یا از آن بترسد، یا نسبت به آن گرایشی دیگر داشته باشد. شناخت خداوند به لحاظ آن که از قدرت و علم بینهایت برخوردار است و سعادت و شقاوت انسان در دنیا و آخرت به دست اوست، دو حالت روانی و نفسانی «خوف» و «رجاء» را در ما برمی‌انگیزد. بنابراین، رجاء به لقاء خدا، از یک سو اثر و معلول شناخت است و در اثر ضعف معرفت و وجود غفلت از خدا و قیامت زوال می‌پذیرد. و از سوی دیگر، علت و عامل مؤثر در تغییر رفتار انسان و نهایتاً وصول به سعادت ابدی است و نبود آن، موجب شقاوت جاودانی خواهد بود.

معرفت خدایی که دارای رأفت، رحمت و کرم و بخشش است، زمینه امید را فراهم می‌کند و وقتی بدانیم که او قهر، غضب و جهنم دارد و تبهکار را مجازات می‌کند، این «معرفت» زمینه ترس را فراهم می‌کند. رجاء، اراده، شوق، محبت، عشق، تسلیم و... همه محصول معرفت است البته تأثیر معرفت در احکام مزبور وقتی است که به نصاب محبت برسد و گرنه بر صرف علم بدون ایمان و مجرد معرفت بدون محبت چنان آثاری یا اصلاً مترتب نمی‌شود یا بر فرض ترتب، چندان سودمند نخواهد بود.

در اخلاق و رشد معنوی، کارها باید با اختیار انجام شود تا ارزشمند باشد و فعل اختیاری فعلی است که بر اساس خواست فاعل انجام می‌شود و بر گرایشی که به آن فعل و به هدف از انجام دادن آن فعل دارد مبتنی است.

اخلاق و صفات نیز با تکرار اعمال در نفس آدمی راسخ و استوار می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

قطعاً هر کدام از افعال ارزشی باعث ایجاد تمام صفات نیکو در انسان نمی‌شود بلکه هر کدام از آنها در ساخت و ایجاد صفات خاصی مؤثر هستند و همین رابطه بین بیش‌ها، گرایش‌ها و اعمال نیز حاکم است. رابطه‌ی علیت تنها میان موجوداتی است که با یکدیگر سنخیت دارند یعنی هر موجودی با هر موجود دیگر رابطه‌ی علیت ندارد. پس هر علت، تنها در معلول‌های خاصی، که به نحوی با آنها تناسب و سنخیت دارد، تأثیر می‌گذارد و هر معلول تنها از علل خاصی، که با آنها تناسب و سنخیت دارد، تأثیر می‌پذیرد.

مراتبی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، ابتدای حرکت را مشخص می‌کند اما با پیشرفت رشد معنوی انسان هر کدام می‌توانند بر یکدیگر تأثیرگذار باشند بنابراین در این پژوهش نقطه‌ی شروع سیر معنوی انسان مشخص شده است.

بنابراین براساس منابع اسلامی سیر حرکت معنوی انسان به سوی خداوند دارای مراتب و مراحل است که با ابعاد وجودی انسان تطابق دارد. این رشد معنوی با شناخت و بینش انسان شروع می‌شود و شناخت‌های انسان، گرایش‌ها او را به وجود می‌آورد و در ادامه این دو با هم افعال انسان را ایجاد می‌کنند و تکرار و مداومت بر انجام افعال معنوی، در انسان صفات و خلقیات معنوی متناسب را به وجود می‌آورد.

منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، تسنیم، (چاپ اول). قم: مرکز نشر اسراء.
۲. _____، عبدالله، (۱۳۸۸)، *مراحل اخلاق در قرآن*، (چاپ اول). قم: مرکز نشر اسراء.
۳. فتحعلی، محمود، مصباح، مجتبی، یوسفیان، حسن، (۱۳۹۱)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، (چاپ اول). قم: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
۴. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن*، (چاپ اول). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۸)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۷۷)، *جامع السعادات*، مترجم: سید جلال‌الدین مجتبی، (چاپ چهارم)، تهران: حکمت.

